

بررسی و تحلیل گسترش ناتو به سمت شرق و تسلط ایالات متحده آمریکا بر منطقه راهبردی اوراسیا با استفاده از مدل تحلیلی SWOT

قربان خسروی* - دکتری جغرافیای سیاسی و رئیس دانشگاه پیام نور واحد گالیکش

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۷/۲۵ تأیید نهایی: ۱۳۹۲/۱۰/۲۴

چکیده

ناتو به‌عنوان یک پیمان نظامی، پس از فروپاشی شوروی توانست با تغییر کارویژه‌های خود و با نگاه ویژه به رویکرد تسهیل مسائل سیاسی و اقتصادی غرب، وارد عرصه جدیدی از تعامل‌های دفاعی-امنیتی شود. این سازمان، با به‌کارگیری شورای همکاری آتلانتیک شمالی و طرح مشارکت برای صلح، وارد حیات خلوت روسیه شد. این عملکرد ناتو که با هدف نفوذ سیاسی، اقتصادی، امنیتی، به‌ویژه برای تسلط بر منابع انرژی طراحی شده بود، کم‌کم برای تسلط بر منطقه، به غرب پاسخ مثبت داد. اکنون این سازمان، برای صلح، همه کشورهای شوروی سابق را زیر چتر طرح مشارکت ناتو درآورده است و از این راه، سعی دارد به‌طور کامل به این کشورها نفوذ کند. می‌توان گفت غرب و ناتو توانسته‌اند با مشارکت در پروژه‌های اقتصادی به‌ویژه انرژی، جای پای مناسبی در منطقه پیدا کنند. به‌نظر می‌رسد کشورهای روسیه، چین و ایران با وجود مخالفت با روند یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا و نگرانی برای حضور ناتو و غرب در منطقه نتوانسته‌اند گام‌های تقابلی بردارند. اگرچه با همگرایی حول محور سازمان همکاری شانگهای، درصدد نشان دادن قدرتی منطقه‌ای هستند، گام مؤثری برای تقابل با غرب از طرف آن‌ها مشاهده نشده است. در این بررسی-که با استفاده از مدل SWOT انجام شده است- قوت‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها و ضعف‌های ناتو در منطقه مطالعه شده و راهبردهای چهارگانه استخراج شده با تحلیلی مناسب ارائه شده است. درنهایت، راهبرد مورد نظر برای کشورهای رقیب نیز ارزیابی شده است.

کلیدواژه‌ها: امنیت انرژی، حوزه دریای خزر، مدل سوات، منطقه اوراسیا، ناتو.

مقدمه

با نگاهی به وضعیت نظام بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی می‌توان دریافت که آمریکا با پیگیری روند یک‌جانبه‌گرایی با همکاری جدی ناتو و اشغال مناطقی از جهان با عنوان امنیت جهانی توانسته است خود را به‌عنوان قدرت محوری و مداخله‌جو در مسائل سیاست بین‌الملل مطرح کند. تغییر کارویژه‌های ناتو از یک سازمان صرفاً امنیتی به یک سازمان با تعقیب اهداف همه‌جانبه توانسته است این روند را بسیار تسهیل کند. برنامه‌هایی که ناتو با عنوان طرح مشارکت برای صلح در منطقه اجرا کرد، با نهایت دقت و هوشیاری و استفاده از زمان، برنامه‌ریزی و اجرا شد. این مسائل سبب شد تا روسیه نیز به فکر تقابل با غرب بیفتد و به مخالفت جدی با برنامه ناتو و آمریکا برخیزد. مداخله ناتو و غرب در منطقه و مسئله انرژی حوزه خزر، احساس خطر و همگرایی حول سازمان همکاری شانگهای، با جذب اعضای ناظر مهمی نظیر هند و ایران، نشان از امکان تقابل جدی با آن‌ها خواهد بود. شاید بتوان حتی آن را ادامه جنگ سردی دیگر بیان داشت. این سازمان با داشتن امکانات گسترده و بازار مصرف مناسب می‌تواند در آینده انرژی جهان مؤثر باشد. با وجود ذخایر نفت و گاز طبیعی خزر، روسیه و ایران می‌توانند منافع غرب را به‌خطر اندازند. این پژوهش درصدد است با تکیه بر توانایی‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای احتمالی سازمان ناتو نشان دهد که ممکن است در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد تقابلی جدی فراروی ناتو و ایالات متحده آمریکا در حوزه‌های مختلف کشورهای منطقه، به‌ویژه حول محور سازمان شانگهای باشیم. محور این تقابل نیز امنیت انرژی است. پرسش‌های پژوهش از این قرارند: آیا کشورهای حوزه اوراسیا و خزر می‌توانند با ناتو و غرب مقابله کنند؟ مسئله امنیت انرژی به چه میزان در این مسیر برای غرب چالش ایجاد می‌کند؟ توانایی‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهایی که ناتو با آن روبه‌روست، کدام‌اند؟ ناتو چه راهبردهایی را می‌تواند برای ثبات منافع غرب در منطقه اوراسیا اتخاذ کند؟ کشورهای حوزه اوراسیا چه راهبردهای مقابله‌ای را می‌توانند در مقابل ناتو اتخاذ کنند؟

مبانی نظری

این پژوهش براساس نظریه منطقه‌گرایی^۱ و با نگاهی به همگرایی^۲ و وابستگی متقابل^۳ نگاشته شده است. باری بوزان در کتاب مردم، حکومت و ترس، منطقه را از دیدگاه پیچیدگی‌های امنیتی بررسی کرده و معتقد است: «منطقه عبارت است از گروهی از کشورها که نگرانی‌های اولیه امنیتی آن‌ها، تا آن اندازه در ارتباط نزدیک با هم است که امنیت ملی هر یک از آن‌ها، جدا از امنیت ملی آن دیگری قابل تصور نیست» (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۹۶). وی معتقد است: «عنصر اصلی که باید بر روابط قدرت افزوده شود، الگوی دوستی و دشمنی بین دولت‌هاست» (بوزان، ۱۳۸۹: ۲۱۵).

سیف‌زاده با وجود قدرت‌های جهانی، دید مثبتی به منطقه‌گرایی ندارد. به سخن او، «به‌اقتضای روند شتابان جهانی‌شدن از سوئی و توجه به این واقعیت نظری که به‌رغم رشد شتابان اقتصادی چین و روی آوردن مجدد روسیه به نظامی‌گری، چین به لحاظ مشکلات سیاسی - جمعیتی و وابستگی ارتباطی - تکنولوژیک خویش، و روسیه به لحاظ مشکلات سیاسی - اقتصادی خویش، در جایگاهی نیستند که بتوانند نظام سلسله‌مراتبی دستوری فعلی به‌نفع هژمونی آمریکا و غرب را به هم بزنند، لذا تصور تجهیز یک نظام منطقه‌ای طالب تغییر نظم و نسق نظام بین‌المللی فردی - بومی جهانی شده رویایی سورتالیستی بیش نیست» (سیف‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵).

با حذف نظام دوقطبی، نگاه منطقه‌گرایی، وابستگی متقابل، همگرایی و اتحاد و ائتلاف شدت گرفته است؛ چراکه

1. Regionalism
2. Integration
3. Interdependency

حرکت از نظام دوقطبی به چندمنظومه‌ای، افزایش موج منطقه‌گرایی، یکسان‌شدن سلیقه‌ها و فناوری، استانداردشدن سیستم تسلیحاتی، افزایش مهاجرت و بالاخره گسترش دموکراسی و سرمایه‌داری، این نگاه همگرایانه و وابستگی متقابل را بیشتر کرده است (عزتی، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۵). مجموعه نظریه‌هایی که نگاه به یک منطقه همگرا و وابسته را تشویق می‌کند، امنیت منطقه‌ای را تقویت می‌سازد و آن منطقه را در جهان به‌عنوان یک الگو مشخص می‌کند. درحال حاضر، منطقه اوراسیا و خزر، بیشترین فاکتورهای مورد نظر را دارد و می‌تواند به‌عنوان یک قطب منطقه‌ای با دیدگاه‌های وابستگی متقابل و همگرایی، خود را متمایز از سایر مناطق سازد و اعلام موجودیت کند.

روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از کتاب‌ها و مقاله‌های علمی انجام شده است. همچنین اطلاعات و آمار مؤسسه‌های جهانی انرژی برای بیان و اثبات مطالب در پی می‌آید. در تحلیل توصیفی این پژوهش، از مدل تحلیل توصیفی کیفی SWOT^۱ استفاده می‌شود.

مدل تحلیل توصیفی SWOT بیان‌کننده توانایی‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها و راهبردهای مربوط به آن‌هاست. درواقع، تحلیل قوت‌ها و ضعف‌ها، در محیط درونی و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها، در محیط بیرونی این مدل‌اند (مافی و سقایی، ۱۳۸۸: ۳۳).

بحث و یافته‌ها

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی^۲

این سازمان را آمریکا و کشورهای اروپای غربی در سال ۱۹۴۷، پس از جنگ جهانی دوم با هدف مقابله با بلوک شرق ایجاد کردند. ناتو پیمانی کاملاً نظامی است و با هدف حمایت از کشورهای عضو به‌هنگام تجاوز دشمن تشکیل شده است. پس از فروپاشی شوروی و در پی دگرگونی‌های راهبردی و امنیتی پدیدآمده، ناتو کارویژه‌های خود را از سطوح منطقه‌ای به جهانی گسترش داد. ناتو با جهانی و چندگانه‌دانستن سرچشمه‌های خطر، دایره وظایف خود را برای تأمین امنیت کشورهای عضو، در همه مناطق ژئوپلیتیکی گسترش داد (سلیمانی و شجاع، ۱۳۸۹: ۱۰۴). ناتو از زمان تشکیل، همواره پیچیده‌تر شده است و تشکیلات نسبتاً ساده آن، به‌مرور زمان، تحول و تکامل یافته است؛ به‌طوری‌که امروزه این سازمان، شامل نهادها و تشکیلات متعددی نه‌تنها در زمینه‌های نظامی، بلکه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به‌عنوان ابزار اصلی در دست کشورهای غرب و به‌منظور حفظ منافع آن‌ها عمل می‌کند (احدی، ۱۳۸۷: ۸۵).

ناتو پس از تغییر کارویژه‌های خود درصدد برآمد ضمن شرکت در تعامل‌های جهانی و کمک به غرب، به‌عنوان بازوی نظامی و امنیتی و شرکت در مناقشه‌های بالکان، افغانستان و عراق، قدرت خود را به جهان نشان دهد. اگرچه این سازمان، یک سازمان امنیتی غرب‌محور است، می‌توان اظهار داشت برنامه‌های ناتو فراتر از چتر نظامی غرب عمل می‌کند. ناتو این کار را به سه شکل انجام می‌دهد؛ اول از طریق ایجاد شورای همکاری آتلانتیک شمالی^۳، دوم از طریق طرح مشارکت برای صلح^۴ ناتو (ابوالحسن شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲: ۳۳۴) و درنهایت، طرح برنامه همکاری انفرادی با ناتو (کاظمی، ۱۳۸۴: ۳۶۲).

1. SWOT (Strength-Weaknesses-Opportunities-Threats)
 2. NATO (North Atlantic Treaty Organization)
 3. North Atlantic Cooperation Council
 4. PFP (Partnership For Peace)

ناتو و برنامه مشارکت برای صلح

ایده مشارکت برای صلح ناتو را اولین بار لس اسپین^۱ وزیر دفاع وقت آمریکا مطرح کرد. او در اجلاس وزیران دفاع ناتو در اکتبر ۱۹۹۳، توسعه ناتو را بدون منزوی کردن آن عنوان کرد. در آن طرح خواسته شده بود که همه کشورهای اروپایی به آن بپیوندند؛ همچنین در آن، قابلیت فردی هر یک از کشورها مد نظر بود و این برنامه می‌توانست وضعیتی ویژه در زمان تهاجم به اعضا باشد (کولایی، ۱۳۸۵: ۲۷۱). این طرح، برنامه‌ای چندجانبه نیست؛ بلکه دربرگیرنده چندین پیمان دوجانبه است که میان ناتو و هر یک از کشورهای خواهان عضویت منعقد می‌شود. در واقع، رهیافت اعضای ناتو به‌علاوه یک، مد نظر است؛ به‌عنوان مثال، عضوی مانند گرجستان، شریک لهستان به‌شمار نمی‌رود؛ بلکه شریک ناتو است (ایمانی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). طرح مشارکت برای صلح، برنامه‌ای عملی بود که در ورای گفت‌وگو، مذاکره و همکاری، روابط نظامی را به‌ویژه در زمینه صلح ترغیب می‌کرد (روشندل، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

این برنامه که نشان‌دهنده ورود غرب به حیط خلوت و به قول روس‌ها خارج نزدیک^۲ روسیه و گرفتن نقش امنیتی کل اروپا و اوراسیاست، در سال ۱۹۹۲ به پیشنهاد آمریکا مطرح و تصویب شد. در مجموع، ۲۵ کشور این طرح را پذیرفتند که همگی به‌جز سه کشور، یا عضو پیمان ورشو یا از جمهوری‌های شوروی سابق بودند (سیف‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۹۷). اساس این برنامه، طرحی سیاسی و موقتی برای زمینه‌چینی گسترش ناتو و حساسیت‌زدایی از روسیه و دیگر مخالفان توسعه ناتو در منطقه است. در مجموع، به برنامه مشارکت برای صلح، به‌عنوان اولین گام برای توسعه ناتو به شرق توجه شد. بدین ترتیب و با این برنامه، محدوده ناتو به‌طور تلویحی و غیر رسمی به مناطق شرق اروپا و به‌ویژه اوراسیا گسترش یافت (همان: ۳۰۰).

در ابتدا، روسیه - که درگیر نوسازی خود بود و نمی‌توانست قبل از بازسازی مناسب، وارد بحث امنیتی جدیدی شود - قادر نبود از خود واکنش مناسبی نشان دهد. روسیه از همان ابتدا ضمن مخالفت با این طرح، درصدد برآمد به‌نوعی با آن مخالفت ورزد. این درحالی بود که موضوع گسترش ناتو به شرق و ایفای وظایف تأمین امنیت در فضای جدید پس از استقلال جمهوری‌ها، چالش جدیدی در روابط روسیه و آمریکا ایجاد کرد (کولایی، ۱۳۸۸: ۱۸)، اما غرب می‌خواست امنیت تمام جهان زیر پرچم آن، به سرکردگی آمریکا باشد. این درحالی است که حرکت ناتو، نه‌تنها روسیه را در وضعیت محاصره قرار می‌دهد، بلکه از شرق تا مرزهای چین و هند و از جنوب تا مرزهای شمالی ایران، افغانستان و حتی هندوستان را با خطر مواجه می‌سازد (شوری، ۱۳۸۳: ۲۷). در نتیجه، با وجود همه معایب این طرح برای منطقه، تحریک روسیه و ناام کردن منطقه اوراسیا، برنامه مشارکت برای صلح ناتو برای نظارت بر نیروهای نظامی، انجام عملیات مشترک تحت هدایت ناتو و ارتباط‌های بازتر میان کشورهای عضو طراحی شده است (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

مخالفان ورود ناتو به منطقه اوراسیا

از میان اندیشمندان ایالات متحده، جرج کنان معتقد است: «گسترش ناتو به‌معنای انزوای استراتژیکی روسیه است؛ لذا خطرناک است» (شوری، ۱۳۸۳: ۳۲). یلتسین، رئیس‌جمهور سابق روسیه نیز معتقد بود: «مسکو همچنان فکر می‌کند که گسترش ناتو برای پذیرش اعضای سابق پیمان ورشو غیر لازم و نامطلوب است و مسکو همچنان نظری منفی در برنامه گسترش ناتو دارد». به عقیده زیگانف، گسترش ناتو اوضاع را به‌شدت بدتر خواهد کرد. او در تأیید دیدگاه‌های جرج کنان می‌گوید: «من کاملاً با نظرات جرج کنان موافقم که اگر گسترش ناتو انجام شود، بدترین اشتباهی خواهد بود که غرب و آمریکا پس از جنگ جهانی دوم مرتکب می‌شوند». به سخن گورباچف نیز «گسترش ناتو به شرق اروپا، یک اشتباه بزرگ

1. Les Aspin

2. Near abroad

است و می‌تواند موجب تحقیر روسیه شود». چرنومردین، نخست‌وزیر اسبق روسیه نیز گسترش ناتو به شرق را موجب افزایش بحران در اروپا و خطر رویارویی رقابت‌های تسلیحاتی شرق می‌داند. این درحالی است که پوتین نیز همواره با گسترش ناتو به شرق مخالفت کرده است (شربانی، ۱۳۸۷: ۲۲۵-۲۲۹).

توسعه‌طلبی‌های ناتو و برنامه مشخص آن برای نزدیکی به مرزهای روسیه - که از نظر این کشور به‌عنوان خطوط قرمز مطرح‌اند - موجب واکنش روسیه می‌شود. در همین زمینه، الکساندر گروشکو معاون وزیر خارجه وقت روسیه در نوامبر ۲۰۰۶ در کنفرانسی مطبوعاتی اظهار داشت: «ناتو نباید ساختار بین‌المللی امنیتی را مطابق میل خود سازد؛ بلکه باید خود را با آن سازگار کند» (احدی، ۱۳۸۷: ۱۲۸).

البته روسیه علی‌رغم وجود مخالفان جدی در گسترش ناتو به شرق، با وجود فشارهای گروه‌های ناسیونالیست داخلی، از خود مقاومت عملی نشان نداده است؛ بلکه به‌گونه‌ای عمل‌گرایانه تلاش کرده است تا ضمن مخالفت با تبدیل شدن به یک ابرقدرت منزوی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، در برقراری ارتباط و یافتن هدف‌های مشترک با اعضای ناتو، پیشگام باشد. تشکیل شورای ناتو - روسیه تجلی چنین سیاستی است (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

امکان تقابل ناتو و سازمان همکاری شانگهای در منطقه اوراسیا

۱. لزوم مقابله با یک‌جانبه‌گرایی

براساس تفکر مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکایی در مناطق جهان، آمریکایی‌ها درصددند با حمایت ناتو در مناطق مختلف جهان از جمله اوراسیا، نقش فعالی داشته باشند. اگرچه امروزه نگاه به اوراسیا، یک نگاه اقتصادی و بهره‌برداری از انرژی است، باید اذعان داشت: «اوراسیا نمی‌تواند تنها یک برنامه توسعه اقتصادی محسوب شود؛ بلکه می‌تواند سنگ زیربنای برنامه‌ای برای بازسازی جهان سیاسی باشد و گزینه جدیدی برای جهان بشری در برابر و برای جان‌نشین شدن نظام جهانی تک‌قطبی که نومحافظه‌کاران آمریکایی می‌کوشند زیر عنوان «نظام نوین جهانی»^۱ به خانواده بشری تحمیل کنند، محسوب شود» (مجیدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

با توجه به اینکه کشورهای شمال، در قرن بیستم به تدریج به ذخایر کشورهای جنوب وابسته‌تر شده‌اند و این وابستگی تا قرن بیست‌ویکم ادامه خواهد یافت، این مسئله ممکن است منبع بالقوه منازعه - که ویژگی اصلی اقتصاد جهانی است - شود (راجرز، ۱۳۸۴: ۱۹۶). با توجه به اینکه کشورهای هند و چین نیز وابستگی زیادی به انرژی منطقه اوراسیا دارند، می‌توان گفت که این منطقه ممکن است کانون منازعه‌ها و رقابت‌های جدی قرن بیست‌ویکم باشد. با توجه به رشد تقاضای ۱/۳ درصدی در هر سال، تقاضای نفت، از ۸۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۵، به ۱۱۶ میلیون بشکه تا سال ۲۰۳۰ خواهد رسید که بیش از ۷۰ درصد تقاضا، مربوط به کشورهای درحال توسعه مانند هند و چین خواهد بود که رشد سالانه ۲/۵ درصد را نشان می‌دهد (هریس، ۲۰۰۹: ۲۰). این خود نشان‌دهنده منازعه جدی غرب در حوزه اوراسیا و روند امکان تقابل غرب و شرق در حوزه انرژی است.

۲. مواجهه امنیتی

هیچ کشور و سازمان قدرتمندی نمی‌تواند سازمان همکاری شانگهای را با دراختیارداشتن بیش از نیمی از جمعیت جهان نادیده بگیرد. همان‌طور که در اهداف بلندمدت و برنامه‌های راهبردی سازمان مشخص شده و در نشست ششم سران این سازمان آمده است: «تأسیس سازمان همکاری شانگهای، به ارتقای روند چندقطبی‌شدن و دموکراتیزه‌شدن روابط

بین‌الملل منجر می‌شود» (قاضی‌زاده و طالبی‌فر، ۱۳۸۸: ۹۷). جیانگ زمین، رئیس جمهور وقت چین در جریان دیدار خود از روسیه در سال ۱۹۹۸ با یلتسین توافق کرد که «روابط بین‌الملل را براساس نظام چندقطبی به‌عنوان پاسخی به تسلط آمریکا برگزینند» (فیاضی، ۱۳۸۸: ۲۲).

ناتو دیگر به‌آسانی نمی‌تواند در آسیای مرکزی، مشکل‌های امنیتی بیافریند. حضور ناتو در منطقه آسیای مرکزی، امکان دسترسی غرب به مرزهای چین را با توجه به زمینه بحران‌زا در نزدیکی مرزهای این کشور مانند استان مسلمان‌نشین سین‌کیانگ آسان می‌کند. ایجاد روابط نزدیک با کشورهای آسیای مرکزی، تضمین‌کننده مداخله‌نکردن آن‌ها در مناطق داخلی چین است (شهریاری، ۱۳۸۸: ۷۶).

در مورد عملکرد سازمان همکاری شانگهای و امکان تقابل با غرب می‌توان گفت که در صورت گرایش سیاست امنیتی آمریکا در سال‌های آتی به سمت شرق آسیا، گرایش چین به سمت غرب (اوراسیا) برای خروج از بن‌بست، جدی می‌شود. اگر اروپا به هر دلیلی، همچنان روسیه را تهدید تلقی کند، گرایش روسیه به شرق بیشتر خواهد شد و اگر چین و روسیه در گرایش‌ها مکمل توانمندی‌های یکدیگر شوند، افزایش تعامل‌های دو کشور و یک قطب بزرگ بین‌المللی جدید، محتمل‌تر می‌شود. در چنین شرایطی، سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان منطبق‌ترین نهاد چندجانبه منطقه‌ای برای فراهم‌آوردن شرایط، زمینه‌ها و نهادهای لازم برای افزایش تعامل‌های بین دو کشور چین و روسیه و ایجاد موازنه در روابط آن دو با غرب حائز اهمیت است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت خارجه، ۱۳۸۸: ۵-۶).

۳. امنیت انرژی

افزایش حضور ناتو در مناطقی از جهان که منابع غنی نفت و گاز دارند و نیز افزایش تقاضا برای انرژی به‌دنبال گسترش صنعتی‌شدن در کشورهای نظیر هند و چین سبب شده است تا بحث در مورد انرژی در دو زمینه استخراج و انتقال آن، به‌مرور در دستور کار اعضای ناتو قرار گیرد (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۴۸). مهم‌ترین راهبرد جهانی آمریکا در حوزه خزر، مواجهه با راهبرد روسیه و چین است. این کشورها نیز درصدد تسلط بر منابع راهبردی منطقه و عمق‌بخشیدن به همگرایی خود هستند (کورسیک، ۲۰۱۱: ۴۳). آن‌ها همکاری‌های خوبی را برای بهره‌برداری مشترک از منافع آسیای مرکزی در مورد انرژی داشته‌اند. روسیه تمایل دارد به بزرگ‌ترین عرضه‌کننده انرژی چین تبدیل شود. در سال‌های اخیر، زیرساخت‌های انتقال انرژی از طرف روسیه به چین، در دست ساخت است. این موضوع به تقویت روابط سیاسی‌شان کمک می‌کند. روسیه همچنین به‌عنوان یک قدرت ژئواستراتژیک با ایران نیز روابط خوبی دارد و می‌تواند همکاری‌های منطقه‌ای را افزایش دهد. این مسئله برای آمریکا و متحدان غربی آن بسیار مشکل‌ساز خواهد بود (مورگان و راسل، ۲۰۰۹: ۱۳۰).

هراندازه آمریکا برای دخل و تصرف راهبردی در اوراسیا-چه در پوشش ناتو و چه در پوشش سایر فعالیت‌ها- تلاش کند، به‌یقین، اتحاد روسیه و چین بیشتر قوام می‌گیرد. دو قدرت، دستاویزهای بیشتری برای نزدیک‌کردن مواضع خود در قبال عملکرد یک قدرت فرامنطقه‌ای به اوراسیا به‌دست می‌آورند (عزتی، ۱۳۸۶: ۱۵۱). امنیت انرژی برای چین و هند-که از اعضای اصلی و ناظر سازمان همکاری شانگهای هستند- از بقیه کشورهای عضو بیشتر است؛ به‌طوری‌که بعضی از صاحب‌نظران، انگیزه اصلی هند در الحاق به این سازمان را تأمین نیازهای انرژی آن کشور می‌دانند. چین نیز علی‌رغم اینکه کشوری دارای انرژی است، انرژی آن در آینده کافی به‌نظر نمی‌رسد. درهرحال، تنوع عرضه از سوی ایران و روسیه-که منابع متنوعی از انرژی دارند- و تنوع تقاضا از سوی چین و هند، از جمله نقاط تقویت همکاری‌های انرژی در داخل سازمان همکاری شانگهای است (انوری و رحمانی موحد، ۱۳۸۸: ۶۳).

همکاری‌های انرژی در درون سازمان شانگهای، از اوایل تأسیس، جزء اولویت‌های جدی اعضای اصلی و ناظر است. با توجه به رشد سریع صنعتی کشورهای هند و چین، می‌توان انتظار داشت این موضوع، جدی‌ترین بحث در امکان تقابل

بین غرب و سازمان شانگهای باشد. خطوط انتقال انرژی روسیه و آسیای مرکزی به چین و همچنین خطوط انتقال انرژی ایران به هند، پاکستان و چین، از مهم‌ترین نشانه‌های این امکان تقابل خواهد بود.

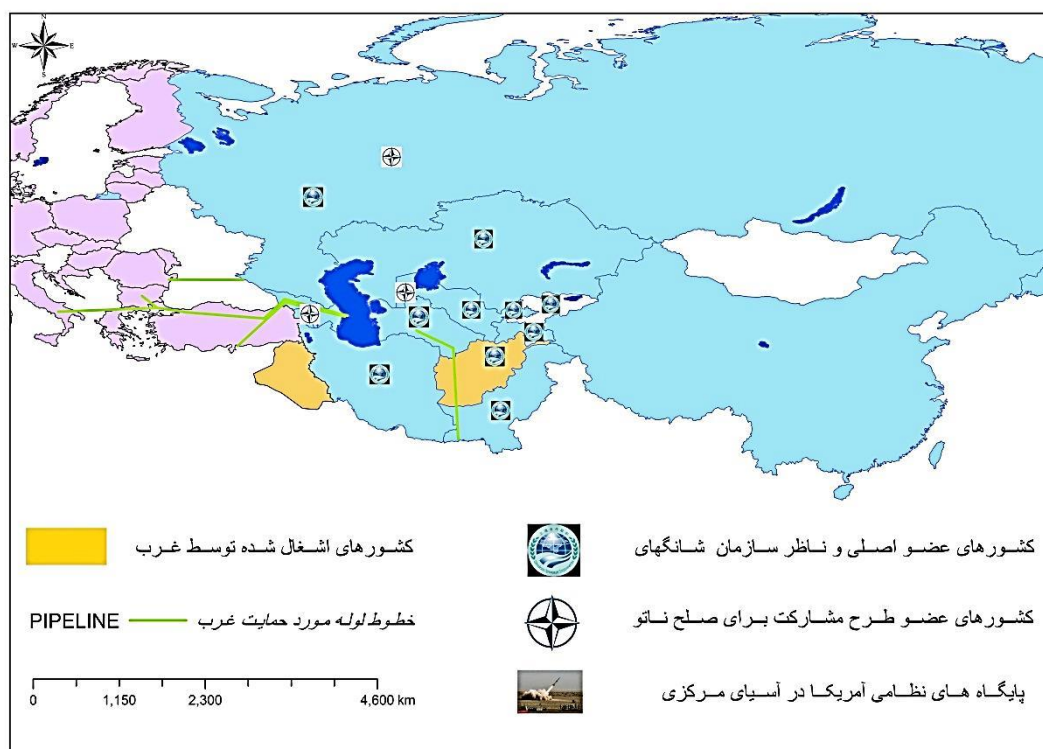
توسعه سازمان شانگهای - که در ابتدا حول محور مسائل امنیتی و مرزی بود - دلیلی مهم در انرژی‌محور بودن این سازمان است. در دهه ۱۹۹۰، چین هیچ ارتباطی با آسیای مرکزی نداشت و دولت چین، کاملاً بر مسائل سیاسی و نظامی - از جمله مرزها، مبارزه با جدایی‌طلبان اوغور و بی‌ثباتی افغانستان - متمرکز شده بود. از سال ۲۰۰۰، با رشد اقتصادی مناسب، چین متقاضی انرژی و علاقه‌مند به مذاکره در مورد واردات انرژی شد. مسائل مربوط به عراق و افغانستان، چین را بر آن داشت تا به دنبال تنوع دستیابی به انرژی باشد (اینولوپاپ، ۲۰۱۰). هند نیز به انرژی این حوزه علاقه‌مند است. بر همین اساس است که در سال ۲۰۰۴، در اجلاس بیشکک در سازمان شانگهای، طرح ایجاد باشگاه انرژی^۱ با هدف توسعه و یکسان‌سازی سیاست انرژی در پیمان شانگهای، ارتباطات، گردشگری و کشاورزی ارائه شد (کازانتسوف، ۲۰۰۶: ۶). برای روشن شدن لزوم امکان تقابل اعضای سازمان ناتو - شانگهای در بحث امنیت انرژی، باید میزان ذخایر و تقاضای انرژی کشورهای اروپایی - که نزدیک‌ترین شرکای ناتو به اوراسیا هستند - را با اعضای سازمان همکاری شانگهای مقایسه کرد تا عمق امکان تقابل نشان داده شود.

جدول ۱. مقایسه ذخایر و مصرف نفت و گاز طبیعی کشورهای عضو اتحادیه اروپایی و کشورهای عضو اصلی و ناظر سازمان شانگهای

مصرف گاز / میلیارد متر مکعب		ذخایر گاز / تریلیون متر مکعب		مصرف نفت / میلیون بشکه در روز		ذخایر نفت / میلیارد بشکه	
اعضای شانگهای	اروپا	اعضای شانگهای	اروپا	اعضای شانگهای	اروپا	اعضای شانگهای	اروپا
۸۵۸/۶	۴۴۳/۹	۹۱	۱/۷	۰۲۳،۳۳	۷۹۶،۱۲	۲۹۷/۲	۶/۸
درصد ۲۵/۷	درصد ۱۳/۴	درصد ۴۸/۷	درصد ۰/۹	درصد ۳۷/۹	درصد ۱۴/۸	درصد ۱۸/۹	درصد ۰/۴

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی بریتیش پترولیوم، گزارش‌های آماری با نگاهی به انرژی جهان، ۲۰۱۳: ۶-۲۲

ذخایر نفت و گاز کشورهای عضو اصلی و ناظر سازمان شانگهای، در حدود یک‌پنجم نفت و نیمی از گاز جهان را تشکیل می‌دهند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا که نزدیک‌ترین کشورهای حامی ناتو هستند، کمتر از یک‌درصد نفت و گاز را به خود اختصاص می‌دهند. این آمار وقتی قابل تحلیل است که میزان مصرف این انرژی‌ها و چگونگی تهیه آن‌ها نیز مد نظر قرار گیرد. اگرچه ذخایر نفت کشورهای عضو پیمان شانگهای، حدود ۲۰ درصد کل ذخایر جهان است، مصرف آن‌ها نیز حدود ۴۰ درصد جهان را تشکیل می‌دهد. اروپایی‌ها تنها متقاضی ۱۵ درصد نفت هستند. این بدان معناست که مابقی مصرف، باید از سایر مناطق جهان تأمین شود. تحلیل این آمار برای سال ۲۰۳۰ نشان می‌دهد که نفت سایر مناطق، دیگر جوابگو نیست و برای نفت اوراسیا، به دلیل صنعتی شدن چین و هند، تقابلی جدی صورت خواهد گرفت. در تحلیلی مشابه برای ذخایر و مصرف گاز جهان درمی‌یابیم که ذخایر گاز طبیعی اوراسیا، حدود نیمی از گاز جهان و مصرف آن، یک‌چهارم مصرف جهانی است. بدین ترتیب اوراسیا می‌تواند مازاد آن را مدیریت کند و به متقاضیان اروپایی بفروشد و کمتر با چالش تقابل روبه‌رو شود. اگر ذخایر گاز طبیعی اوراسیا، فقط برای کشورهای عضو شانگهای در نظر گرفته شود، تقابل مورد نظر برای گاز نیز اتفاق می‌افتد. در چنین حالتی، فرض بر آن است که بین ناتو و غرب و اعضای ثروتمند انرژی سازمان همکاری شانگهای، تقابلی شکل می‌گیرد که ممکن است به بلوک‌بندی سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی جدیدی بینجامد.



شکل ۱. قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های فراروی ناتو در اوراسیا براساس مدل SWOT

ناتو و غرب قصد دارند به‌نوعی حوزه خزر را در مسائل امنیتی اروپا درگیر کنند، همکاری‌های نظامی خود را توسعه بخشند و تبادل اطلاعات کنند. ناتو می‌تواند در مواقع بحران، کلید حفظ صلح را نیز در دست داشته باشد. این سبب تقویت ثبات منطقه در جهت اهداف و منافع غرب خواهد شد (فلاحی، ۱۳۸۴: ۲۱۰). وجود انرژی و خطوط لوله مناسب و اکنون، گسترش با نظر غرب، در آینده جایگزین مناسبی برای سایر مناطق، در تنوع‌سازی دستیابی به انرژی برای غرب است. بازارهای مصرف منطقه اوراسیا نیز مهم‌اند. آمریکا با انزوای راهبردی روسیه و کنترل چین، درصدد تکمیل ضلع سوم محاصره ایران از سمت شمال و اتصال این محاصره به ترکیه است. غرب می‌تواند با حرکت به‌سوی خاورمیانه، مدیریت بحران کشورهای اسلامی را نیز به‌دست گیرد. پرکردن خلأ امنیتی، از طریق عقد قراردادهای امنیتی - نظامی در غیاب کشورهای غربی نیز از اهداف ناتو است (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۰۸).

در این میان نباید جلوگیری از همگرایی نظامی - امنیتی کشورهای مشترک‌المنافع^۱ را از یاد برد. این مورد در کنار محدودکردن دسترسی چین به منابع انرژی و بازارهای مصرف، به همراه ممانعت از ایجاد کشورهای ضد غربی (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۵۱)، از مهم‌ترین اهداف راهبردی غرب است. ناتو همواره سعی می‌کند برای همگرایی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، دست به انجام مانورهای مشترک با این کشورها بزند (ابوالحسن شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲: ۳۲۹). در کنار این مانورها، به برگزاری کلاس‌های آموزشی و همچنین پژوهش‌های زیست‌محیطی کمک می‌کند. ناتو تأمین امنیت خطوط لوله انرژی کشورهای همگرا با خود در این منطقه را نیز برعهده گرفته است (شربانی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). مبارزه با تروریسم و جرائم سازمان‌یافته، مقابله با انتقال تجهیزات مربوط به سلاح‌های هسته‌ای نیز از برنامه‌های ناتو در این منطقه است (فلاحی، ۱۳۸۴: ۲۲۱؛ سلیمانی و شجاع، ۱۳۸۹: ۹۷).

ناتو و آمریکا در این منطقه با چالش‌هایی نیز روبه‌رو خواهند بود. از جمله اینکه بحران‌های محلی، ناتو را به

1. CIS (Commonwealth countries)

درگیری‌های منطقه‌ای می‌کشد. وجود منافع روسیه، چین و ایران در منطقه، مهم‌ترین چالشی است که ناتو گرفتار آن خواهد شد. به این مورد، خطرناک بودن انزوای راهبردی روسیه با حرکت و گسترش ناتو به شرق را نیز باید افزود. این درحالی است که منافع متضادی نیز در بین اعضای ناتو مشاهده می‌شود (شوری، ۱۳۸۳: ۳۳-۳۸).

تجزیه و تحلیل ناتو با توجه به توانایی‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها در منطقه اوراسیا

در این تحلیل، مطابق مدل SWOT، ده عامل مهم شناسایی شده و در جداول آمده است. جدول اصلی، برای جلوگیری از تکرار حذف شده است. ابتدا جدول‌های چهارگانه آورده شده و سپس شکل مربوط به راهبردهای این عوامل، با امتیاز وزنی آن نشان داده شده است. در پایان نیز نمونه‌ای از مهم‌ترین عوامل و راهبردهای مؤثر بیان شده است.

جدول ۲. وزن نسبی قوت‌ها و ضعف‌ها (عوامل درونی) ناتو

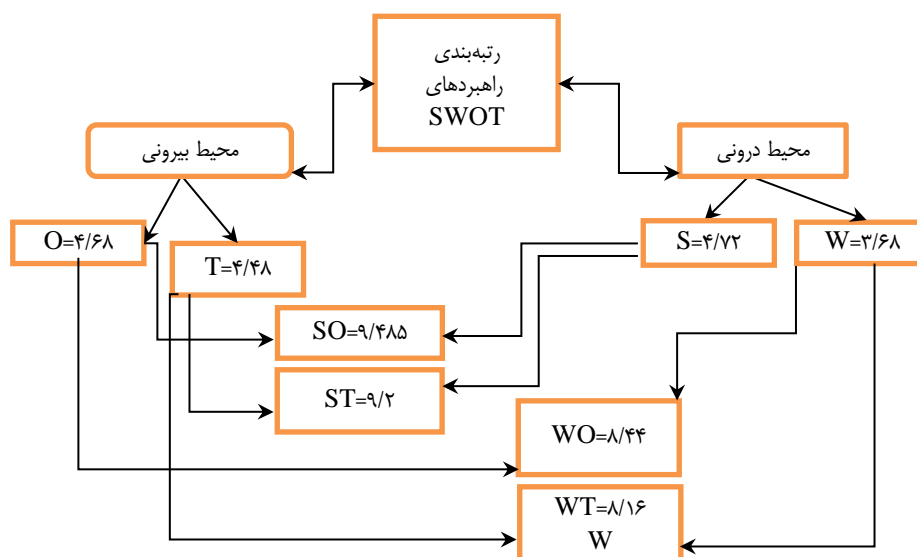
امتیاز وزنی	درجه‌بندی	وزن	قوت‌ها
۱/۴۴۵	۵	۰/۲۸۹	۱ S نظامی بودن پیمان و داشتن امکانات وسیع نظامی
۰/۹۹۵	۵	۰/۱۹۹	۲ S ارتقا از یک سازمان منطقه‌ای به سازمان جهانی
۰/۶۸	۵	۰/۱۳۶	۳ S برنامه مشارکت برای صلح و شورای همکاری آتلانتیک شمالی
۰/۵۸	۵	۰/۱۱۶	۴ S تحکیم ثبات منطقه اوراسیا در جهت اهداف و منافع غرب
۰/۲۴۴	۴	۰/۰۶۱	۵ S علاقه‌مندی بعضی از کشورهای منطقه به پیوستن به ناتو
۰/۳۵۵	۵	۰/۰۷۱	۶ S تقویت ناتو و گسترش به سمت شرق از طریق برنامه PFP
۰/۱۵	۳	۰/۰۵	۷ S تسلط بر افغانستان و عراق
۰/۱۱۴	۳	۰/۰۲۸	۸ S همجواری ترکیه به‌عنوان عضو ناتو با منطقه اوراسیا و نقش دیده‌بانی ترکیه
۰/۱۱۲	۴	۰/۰۲۸	۹ S گستردگی توان نظامی ناتو و غرب، نسبت به کشورهای عضو پیمان شانگهای
۰/۰۴۸	۴	۰/۰۱۲	۱۰ S توان کمک مالی و اقتصادی به کشورهای فقیر آسیای مرکزی و قفقاز
۴/۷۲۳	-	۱	جمع
امتیاز وزنی	درجه‌بندی	وزن	ضعف‌ها
۰/۶۶	۳	۰/۲۲	۱ W وجود منافع متضاد سیاسی- اقتصادی اعضای ناتو
۰/۹۶	۴	۰/۲۴	۲ W دوری از منطقه و نبود تسلط کافی بر اوضاع
۰/۴۸	۴	۰/۱۲	۳ W همجواری عراق و افغانستان با کشورهای حوزه اوراسیا
۰/۴۸	۴	۰/۱۲	۴ W واکنش به پایگاه‌های نظامی ناتو در کشورهای عضو پیمان شانگهای
۰/۲۴	۳	۰/۰۸	۵ W ضعف کشورهای حامی ناتو و غرب در منطقه و تسلط روسیه بر آن‌ها
۰/۱۵	۳	۰/۰۵	۶ W داشتن جمعیت و وسعت و ذخایر انرژی زیاد کشورهای عضو پیمان شانگهای
۰/۲	۴	۰/۰۵	۷ W امکان ایجاد یک بلوک جدید و رقیب در منطقه و توان مقابله در آینده
۰/۱۶	۴	۰/۰۴	۸ W عبور از قلمرو کشورهای رقیب برای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای
۰/۲	۴	۰/۰۵	۹ W نبود توانایی مقابله کامل با تروریسم بین‌المللی
۰/۱۵	۵	۰/۰۳	۱۰ W همراهی نکردن همه اعضای ناتو در بحران‌ها، به دلیل کوچکی و ضعف مالی
۳/۶۸	-	۱	جمع

جدول ۳. وزن نسبی فرصت‌ها و تهدیدها (عوامل بیرونی) ناتو

امتیاز وزنی	درجه‌بندی	وزن	فرصت‌ها
۱/۵	۵	۰/۳	۱ O توانایی ورود به فعالیت‌های سیاسی- اقتصادی و فرهنگی علاوه بر نظامی
۰/۹۵	۵	۰/۱۹	۲ O بازوی امنیتی و سیاسی غرب
۰/۷۵	۵	۰/۱۵	۳ O گسترش به سمت شرق با اجرای برنامه PFP (طرح مشارکت برای صلح)
۰/۶	۵	۰/۱۲	۴ O محاصره شرق اروپا تا چین، هند و تا مرزهای شمال ایران و افغانستان
۰/۴	۵	۰/۰۸	۵ O درگیر کردن جمهوری‌های شوروی سابق در مسائل امنیتی اروپا
۰/۲۵	۵	۰/۵	۶ O دستیابی به منابع انرژی، خطوط انتقال و بازارهای مصرف و امنیت انرژی
۰/۱۲	۳	۰/۰۴	۷ O حرکت به سوی خاورمیانه و مدیریت بحران در کشورهای اسلامی
۰/۰۹	۳	۰/۳	۸ O محدود کردن دسترسی چین به منابع انرژی و بازارهای مصرف
۰/۰۵	۵	۰/۰۱	۹ O ممانعت از ایجاد کشورهای ضد غربی و تقویت جایگاه هژمونی آمریکا
۰/۰۵	۵	۰/۰۱	۱۰ O مبارزه با تروریسم، جرائم سازمان‌یافته و مقابله با سلاح‌های هسته‌ای
۴/۷۶	-	۱	جمع

ادامه جدول ۳. وزن نسبی فرصت‌ها و تهدیدها (عوامل بیرونی) ناتو

امتیاز وزنی	درجه بندی	وزن	تهدیدها
۱/۵	۵	۰/۳	۱ T تقابل با روسیه پس از فروپاشی شوروی و مخالفت روسیه با گسترش ناتو
۰/۶	۳	۰/۲	۲ T امکان ورود روسیه به درگیری‌های منطقه‌ای، به دلیل بحران‌های محلی
۰/۷	۵	۰/۱۴	۳ T وجود منافع روسیه-چین و ایران و امکان درگیری ناتو و اتحاد راهبردی آنها
۰/۵	۵	۰/۱	۴ T خطرناک بودن انزوای راهبردی روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای
۰/۴۵	۵	۰/۰۹	۵ T صنعتی شدن هند و چین و نیاز به انرژی حوزه اوراسیا و امکان تقابل با غرب
۰/۳	۵	۰/۰۶	۶ T همگرایی اوراسیا حول محور سازمان‌های منطقه‌ای، به ویژه سازمان شانگهای
۰/۲	۴	۰/۰۵	۷ T کم بودن میزان ذخایر انرژی حوزه خزر و نیاز غرب به انرژی
۰/۱۲	۴	۰/۰۳	۸ T تقابل با چین به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بزرگ نوظهور
۰/۰۶	۳	۰/۰۲	۹ T وجود ایران در سازمان همکاری شانگهای به عنوان انبار بزرگ انرژی
۰/۰۵	۵	۰/۰۱	۱۰ T مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و غرب در منطقه اوراسیا
۴/۴۸	-	۱	جمع



شکل ۲. رتبه بندی راهبردهای پژوهش

عوامل مربوط به توانایی‌های درونی ناتو و فرصت‌های خارجی این سازمان، شرایط مناسب‌تری دارند. در مقابل، تهدیدها و درنهایت، ضعف‌های این سازمان، امتیاز کمتری دارند. این امر نشان می‌دهد که ناتو می‌تواند از فرصت‌های به وجود آمده برای گسترش به سمت شرق و اوراسیا، حداکثر بهره را ببرد و به ویژه در تنوع‌سازی خطوط انتقال انرژی، برتری دارد. روسیه و چین در حال حاضر، علی‌رغم مخالفت‌های زیاد با حضور آمریکا و ناتو در منطقه، از مقابله خود با غرب نفعی نمی‌برند و نمی‌توانند تأثیری جدی بر روند حضور آنها داشته باشند. با توجه به این امر، سیاست‌های آنها نیز نشان از مشارکت ضعیف و همراهی با غرب در حوزه‌های اقتصادی-سیاسی و امنیتی دارد. بازبودن دفتر طرح مشارکت برای صلح ناتو در مسکو، خود گواه این مطلب است. چین نیز به جای مقابله سعی می‌کند بازارهای رقیب را در سال‌های آتی نشانه رود. در این میان، ایران به عنوان یک متحد راهبردی این مثلث-که با آمریکا تضاد منافع دارد-ممکن است با چالش‌هایی روبه‌رو شود.

جدول ۴. ماتریس راهبردهای SWOT

ماتریس SWOT	قوت‌های ناتو S		ضعف‌های ناتو W	
	موضوع‌ها	موضوع‌ها	موضوع‌ها	موضوع‌ها
		S۱= نظامی‌بودن پیمان S۲= برنامه PFP S۴= تسلط بر عراق و افغانستان S۵= گستردگی توان نظامی ناتو نسبت به کشورهای منطقه		W۱= نداشتن توانایی مقابله کامل با تروریسم W۲= دوری از منطقه و نبود تسلط کافی W۳= منافع متضاد سیاسی- اقتصادی اعضای ناتو
	فرصت‌های ناتو O	راهبرد SO (رقابتی- تهاجمی)		راهبرد WO (بازنگری)
موضوع‌ها	O۱= گسترش ناتو به شرق O۲= محاصره منطقه اوراسیا O۳= دستیابی به منابع انرژی O۴= تقویت هژمونی آمریکا	SO۱= توان نظامی و هژمونی ناتو و آمریکا SO۲= دنبال کردن راهبرد تسلط بر اوراسیا SO۳= تسلط بر امنیت انرژی اوراسیا و بازارهای مواد خام و مصرف در اوراسیا	WO۱= همگرایی غرب و تقویت بنیان‌های ناتو در جهت منافع غرب WO۲= تحریک‌نکردن کشورهای حوزه اوراسیا WO۳= جلوگیری از امکان تقابل ناتو با کشورهای حوزه اوراسیا	WO۱= همگرایی اوراسیا حول محور SCO WO۲= تقابل با روند رشد صنعتی کشورهای درحال توسعه حوزه اوراسیا و رفع نگرانی‌های امنیت انرژی غرب در اوراسیا
	تهدیدها (T)	راهبرد ST (تنوع)		راهبرد WT (تدافعی)
موضوع‌ها	T۱= وجود منافع روسیه، چین و ایران و امکان تقابل با غرب T۱= خطرناک بودن انزوای راهبردی روسیه T۲= صنعتی‌شدن چین و هند و نیاز بیشتر آن‌ها به انرژی در آینده T۳= همگرایی کشورهای منطقه، حول محور SCO T۵= مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در منطقه	ST۱= آمادگی برای تقابل ناتو با قدرت‌های اوراسیا ST۲= تهدیدنکردن امنیت انرژی غرب با گسترش ناتو به سمت شرق	WT۱= مقابله با همگرایی اوراسیا حول محور SCO WT۲= تقابل با روند رشد صنعتی کشورهای درحال توسعه حوزه اوراسیا و رفع نگرانی‌های امنیت انرژی غرب در اوراسیا	WT۱= مقابله با همگرایی اوراسیا حول محور SCO WT۲= تقابل با روند رشد صنعتی کشورهای درحال توسعه حوزه اوراسیا و رفع نگرانی‌های امنیت انرژی غرب در اوراسیا

ناتو در راهبردهای موجود، علی‌رغم اتخاذ راهبرد رقابتی- تهاجمی، در سال‌های پس از جنگ سرد توانسته است با قابلیت‌هایی چون مشارکت برای صلح، از ضعف کشورهای حوزه اوراسیا استفاده کند و همچنان در این منطقه بماند. هدف نهایی از به‌کارگیری توان نظامی و طرح مشارکت برای صلح، درنهایت، چیزی غیر از تسلط بر اوراسیا برای تصرف آرام این منطقه و تسلط بر انرژی نیست. به‌دست‌آوردن مواد خام و مواد مورد نیاز غرب، از دیگر فرصت‌هایی است که ناتو در حال استفاده از آن‌هاست. همچنین این سازمان درصدد رویکرد کسب بازار منطقه برای غرب و کسب حداکثر منافع است. در این میان، علی‌رغم وجود کشورهای قدرتمندی چون روسیه و چین و سازمان نوپای همکاری شانگهای، این گروه از کشورها توان مقابله با ناتو و غرب را ندارند و سعی در حفظ وضع موجود دارند. به‌نظر می‌رسد این وضع با رشد آینده اقتصادی چین و نیاز به منابع انرژی و سایر کشورهای همسایه این گروه از کشورها- که جزء گروه کشورهای صنعتی نظیر ژاپن هستند- پایدار نباشد. علاوه‌براین، اگر بخواهیم کشورهای مخالفی چون ایران را- که مهم‌ترین منبع انرژی منطقه است- در نظر بگیریم، در سال‌های آتی، امکان ناپایداری در این وضع، محتمل است.

راهکارهای حفظ موازنه و وضع موجود

با اینکه این گروه از کشورها، احتمالاً توان مقابله‌ای با ناتو و غرب را ندارند، می‌توان بهترین راهبرد را ایجاد جوی آرام با اتخاذ راهبرد تدافعی- تعاملی دانست. همواره باید ضعف‌های آن‌ها را در نظر داشت و قوت‌های این گروه از کشورها را-

که وسعت سرزمینی، بازار مصرف، دسترسی به منابع انسانی ارزان، انرژی فراوان و همگرایی حول محور سازمان همکاری شانگهای است - تقویت کرد. این وضع، تعادلی را در بین این دو قطب ایجاد می‌کند.

تقابل با روسیه پس از فروپاشی شوروی، مخالفت روسیه با گسترش ناتو به شرق، منافع روسیه، چین و ایران و امکان درگیری ناتو با این کشورها، تسریع در اتحاد راهبردی این کشورها، خطرناک بودن انزوای راهبردی روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای، صنعتی‌شدن هند و چین و نیاز به انرژی حوزه اوراسیا و امکان تقابل با غرب، همگرایی اوراسیا حول محور سازمان‌های منطقه‌ای، به‌ویژه سازمان همکاری شانگهای، نیاز غرب به انرژی، تقابل با چین به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای بزرگ نوظهور و مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و غرب در منطقه اوراسیا، از مهم‌ترین تهدیدهایی است که ناتو در منطقه اوراسیا با آن‌ها روبه‌روست.

اوراسیا باید برای مواجهه با ناتو در منطقه، راهبردهایی تدافعی اتخاذ کند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

۱. تقویت پیمان‌های دفاعی - امنیتی منطقه‌ای مانند CIS و SCO؛
۲. کمک به کشورهای ضعیف منطقه برای نداشتن گرایش به غرب؛
۳. تسلط بر خطوط انتقال و امنیت انرژی اوراسیا؛
۴. همگرایی حول محور سازمان همکاری شانگهای و ورود به عرصه تعامل‌های جهانی؛
۵. تسلط بر بازارهای منطقه اوراسیا؛
۶. تقویت بنیان‌های سیاسی، دفاعی - امنیتی و اقتصادی کشورهای منطقه اوراسیا.

نتیجه‌گیری

با وجود توانایی‌های بالقوه مناسب موجود در منطقه اوراسیا برای همگرایی و درنهایت، رسیدن به منافع حداکثری، طی سال‌های پس از فروپاشی شوروی، غرب و در رأس آن‌ها ایالات متحده آمریکا با حمایت بازوی امنیتی و نظامی آن‌ها (ناتو) توانسته‌اند به راحتی و با صرف هزینه‌ای بسیار اندک، به این منطقه راهبردی دستی یابند؛ منطقه‌ای که همواره در زیر ذره‌بین قدرت‌های استعماری برای تسلط بر آن بوده است. ناتو با طرح مشارکت برای صلح، با همه کشورهای شوروی سابق رابطه برقرار کرده است و به‌نوعی به بهانه کمک به آن‌ها، این کشورها را با خود همراه ساخته است. بازارهای مصرف گسترده این منطقه، منابع انرژی غنی و نیاز این کشورها، از جمله مواردی است که غرب را به تصرف آرام این حوزه تشویق کرده است.

البته غرب در این منطقه، علی‌رغم داشتن توانایی‌های منحصربه‌فرد و فرصت‌های بی‌بدیل، ضعف‌ها و تهدیدهایی دارد که هرروز به جوانب آن افزوده می‌شود. وجود کشورهای مثل روسیه، چین و ایران و سازمان همکاری شانگهای، گسترش روند صنعتی‌شدن چین و هند، مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و موارد دیگر غرب را در این منطقه به چالش می‌کشد و کشورهای اوراسیا را هشیار می‌کند تا منابع اولیه و بازار مصرف این حوزه، به راحتی و به‌رایگان در اختیار غرب قرار نگیرد. به‌نظر می‌رسد اکنون روند بازی با حاصل جمع صفر از طرف غرب، در منطقه در حال اجراست. این درحالی است که با وجود پتانسیل‌های بالقوه مناسب در این منطقه روند معکوسی می‌تواند اتفاق بیفتد.

در این بحث - که تمرکز آن تحلیل ناتو و غرب در منطقه اوراسیا و امکان یا نبود امکان تقابل این منطقه با غرب و ناتو است - با تحلیل توصیفی و کیفی، ضعف‌ها، تهدیدها، فرصت‌ها و توانایی‌های ناتو نشان داده شده است. کشورهای منطقه، در حال حاضر علی‌رغم داشتن فرصت‌های مناسب رقابت، توانایی مقابله با ناتو را در خود نمی‌بینند؛ در مقابل راهبردهای اتخاذی غرب و ناتو، راهبرد تدافعی به‌خود گرفته‌اند و وضع موجود را حفظ کرده‌اند. اگرچه آن‌ها می‌توانند

برای حفظ تعادل و موازنه بین غرب و اوراسیا، قوت‌های خود را نیز افزایش دهند و در آینده برای تغییر در راهبرد تدافعی به تهاجمی به کار گیرند، استفاده از ضعف‌های غرب- که محور آن‌ها نیاز به انرژی است- غرب را وادار خواهد کرد تا تقابل کنونی را به تعامل تبدیل سازد.

اگرچه غرب و ناتو، توانایی اتخاذ راهبرد تهاجمی را دارند، به جهت نیاز به بازار گسترده مصرف این منطقه و انرژی فراوان سعی خواهند کرد حتی‌الامکان از اتخاذ این راهبرد خودداری کنند. آن‌ها نیز برای رسیدن به حداکثر منافع، درصددند تا راهبرد مشابهی با کشورهای منطقه، یعنی تدافعی- تعاملی را برگزینند.

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانم از زحمات‌های بی‌دریغ همه دوستانی که به‌نوعی در راهنمایی نگارنده و رفع ایرادهای مقاله نقش بسزایی داشتند، تشکر و قدردانی کنم: مسئولان محترم فصلنامه، داوران محترم و دوستانم آقایان تقی عرب، دکتر کاظم پارسیانی، مهندس صفر سیجانی و علی آشور فارسیانی که با همکاری آن‌ها نقشه مورد نظر تهیه شده است.

منابع

۱. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله و محمدرضا مجیدی، ۱۳۸۲، **سیاست و حکومت در آسیای مرکزی**، نشر قومس، تهران.
۲. احدی، محمد، ۱۳۸۷، **ناتو در قرن ۲۱**، مرکز آموزش و پژوهش شهید صیاد شیرازی، تهران.
۳. انوری، حمیدرضا و مرتضی رحمانی موحد، ۱۳۸۸، **سازمان شانگهای؛ چشم‌اندازی به سوی جهان چندقطبی**، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، تهران.
۴. ایمانی، همت، ۱۳۸۹، **گسترش ناتو و آثار آن بر سیاست‌های امنیتی روسیه**، دومانه‌نامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی مؤسسه اطلاعات، شماره‌های ۲۷۱-۲۷۲، ص ۱۲۴.
۵. بوزان، باری، ۱۳۸۹، **مردم، دولت‌ها و هراس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی، چاپ دوم، تهران.
۶. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، ۱۳۸۸، **سازمان همکاری شانگهای**، تهران.
۷. راجرز، پل، ۱۳۸۴، **زوال کنترل: امنیت جهانی در قرن ۲۱**، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی و مژگان جلیلی، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی، تهران.
۸. روشندل، جلیل، ۱۳۸۵، **گسترش ناتو به سمت شرق؛ تعیین حوزه‌های نفوذ یا تأمین امنیت**، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۳.
۹. سلیمانی، فاطمه و مرتضی شجاع، ۱۳۸۹، **آمریکا و گسترش امنیتی ناتو در جهان**، دومانه‌نامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال بیست‌وچهارم، شماره‌های ۲۷۱-۲۷۲.
۱۰. سیف‌زاده، سیدحسین، ۱۳۸۵، **معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب**، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، تهران.
۱۱. سیف‌زاده، سیدحسین، ۱۳۸۹، **همگرایی منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران؛ با نگاهی به آسیای جنوب غربی**، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۵.
۱۲. شریانی، قوام، ۱۳۸۷، **امنیت ایران و رویکرد ناتو در آسیای مرکزی**، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، تهران.
۱۳. شوری، محمد، ۱۳۸۳، **کتاب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) ویژه مسائل امنیتی (CIS)**، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، تهران.

۱۴. شهریاری، محمدعلی، ۱۳۸۸، تحلیل تأثیر عوامل سیاسی - امنیتی در همگرایی منطقه‌ای با بررسی موردی آ. سه. آن و شانگهای، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴، ص ۷۶.
۱۵. عزتی، عزت‌اله، ۱۳۸۶، نظریه‌های جدید در جغرافیای سیاسی، قومس، تهران.
۱۶. فلاحی، علی، ۱۳۸۴، کتاب اروپا، ویژه ناتو، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
۱۷. فیاضی، محسن، ۱۳۸۸، سازمان همکاری شانگهای، فرصتی برای مشارکت چین و روسیه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، وزارت امور خارجه، شماره ۶۸ ص ۲۲.
۱۸. قاضی‌زاده، شهرام و عباس طالبی‌فر، ۱۳۸۸، سازمان همکاری شانگهای؛ همگرایی نوین منطقه‌ای، لقاءالنور، تهران.
۱۹. کاظمی، احمد، ۱۳۸۴، امنیت در قفقاز جنوبی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، تهران.
۲۰. کولایی، الهه، ۱۳۸۵، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، تهران.
۲۱. کولایی، الهه، ۱۳۸۸، بازی بزرگ جدید، در آسیای مرکزی؛ زمینه‌ها و چشم‌اندازها، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، تهران.
۲۲. مافی، عزت‌الله و مهدی سقایی، ۱۳۸۸، کاربرد مدل MS-SWOT در تحلیل مدیریت گردشگری، مطالعه موردی: کلان-شهر مشهد، فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال هفتم، شماره ۱۴.
۲۳. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، سمت، تهران.
۲۴. مجیدی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۷، غرب آسیا؛ نظام بین‌الملل و همگرایی منطقه‌ای، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران.
۲۵. محمدی، محمود، ۱۳۸۹، اثر مأموریت‌های جدید ناتو بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات راهبردی، تهران.
۲۶. واعظی، محمود، ۱۳۸۸، منافع روسیه و غرب در آسیای مرکزی و قفقاز و نقش تشکلهای چندجانبه، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۶.
۲۷. هاشمی، غلامرضا، ۱۳۸۴، امنیت در قفقاز جنوبی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
28. Ahadi, M., 2008, **NATO in 21st Century**, Army Strategic Studies Research Publication, Tehran. (In Persian)
29. Anvari, H. R. and Rahmani Movahed, M., 2009, **The Shanghai Cooperation Organization**, IPIS, Tehran. (In Persian)
30. BP, 2013, **Statistical Review of World Energy**, It's online at: It's online at: www.bp.com, BP Publication, pp. 6-22.
31. Buzan, B., 2010, **People, State and Fear**, Strategic studies Institute Publication Tehran. (In Persian)
32. Emani, H., 2010, **NATO Expansion and its Effects on Russian Security Policy**, Political & Economic Ettelaat, Ettelaat Institute, No. 271-272, p. 124. (In Persian)
33. Ezzati, E., 2007, **New theory in political Geography**, Ghomes, Tehran. (In Persian)
34. Fallahi, A., 2005, **Studies on Europe, Special NATO**, TISRI Publication, Tehran. (In Persian)
35. Fayyazi, M., 2010, **The Shanghai Cooperation Organization: An Opportunity Participate for Russia and China**, Central Asia and the Caucasus Journal, No. 68, p. 22. (In Persian)
36. Ghazizadeh, Sh. and Talebifar, A., 2009, **Shanghai Cooperation Organization, New regional integration**, Leghae Noor, Tehran. (In Persian)
37. Harris, K.T., 2009, **Geopolitics of oil**, NOVA Science Publisher, New York.
38. Hashemi, G. R., 2005, **Security in South Caucasus**, IPIS Publication, Tehran. (In Persian)
39. Inoelapop, I., 2010, **China's Energy Strategy in Central Asia**, It's online at: www.revistas.ucm.es, UNISCI discussion paper, No. 24, UNISCI, Romania.
40. IPIS, 2009, **Shanghai Cooperation Organization**, IPIS, Tehran. (In Persian)

41. Kazantsev, A., 2008, **Russian Policy in Central Asia and Caspian Sea region**, Vol. 20, p. 6.
42. Kazemi, A., 2005, **Security in South Caucasus**, TISRI, Tehran. *(In Persian)*
43. Koolaei, E., 2006, **Politics and Government in Russia Federation**, IPIS, Tehran. *(In Persian)*
44. Koolaei, E., 2009, **New Grate Game**, IPIS, Tehran. *(In Persian)*
45. Kurecic, P., 2011, **The New Great Game: Rivalry of Geo-strategies and Geo-economies in Central Asia**, harvatski Geografski Glaskin, p. 43.
46. Mafi, E. and Saghayi, M., 2009, **MS-SWOT Model Application in Tourism Management Analysis**, Geography and Development Quarterly, Vol. 7, No. 14, pp. 33. *(In Persian)*
47. Majidi, M., et al, 2008, **The West of Asia and International System and Regional**, social and cultural studies, collection articles, Tehran. *(In Persian)*
48. Mohammadi, M., 2010, **NATO's New Missions on Iran National Security Interests** Institute for Strategic Research, Tehran. *(In Persian)*
49. Mojtahedzadeh, P., 2002, **Political Geography and Geopolitics**, Samt, Tehran. *(In Persian)*
50. Morgan, D. and Russell, A. J., 2009, **Energy Security and Global Politics**, London & New York, Rutledge.
51. Rogers, P., 2005, **Losing Control: Global Security in 21st Century**, translated by: Hajiyousofi, A. M. and Jebelli, M., Strategic Research Studies, Tehran. *(In Persian)*
52. Roshandel, J., 2006, **NATO Expansion towards the East and Determine the Influence or Security Spheres**, Central Asia and the Caucasus Quarterly, IPIS, No .13, p. 144. *(In Persian)*
53. Seifzadeh, S. H., 2006, **Security Puzzle and the West New Challenges**, IPIS, Tehran. *(In Persian)*
54. Seifzadeh, S. H., 2010, **Regional Integration in Iran's Foreign Policy, Looking South West Asia**, International quarterly of foreign relations, Vol. 2, No. 5, p. 15. *(In Persian)*
55. Shahriari, M. A., 2009, **Analysis of Impact of Political and Security Factors in Regional Integration**, Politics Quarterly, Vol. 39, No. 4, p.76. *(In Persian)*
56. Sherbiani, G., 2008, **Iran Security and NATO Approach in Central Asia**, IPIS, Tehran. *(In Persian)*
57. Abolhassan Shirazi, H. and Majidi, M. R., 2003, **Politics and Government in Central Asia**, Ghomes, Tehran. *(In Persian)*
58. Shuri, M., 2004, **Studies on CIS, Special on CIS Security Issues**, TIRSI, Tehran. *(In Persian)*
59. Soleimani, F. and Shoja, M., 2010, **US. And NATO's Expanding Role in Word Security**, Political and Economic Ettelaat, Ettelaat Institute, No. 271-272, pp. 97-104. *(In Persian)*
60. Vaezi, M., 2009, **Interests of Russia and the West in Central Asia and the Caucasus and the Role of Multilateral Organizations**, Central Asia and the Caucasus Quarterly, No. 66, p. 132. *(In Persian)*